

The Scope of the Authority of the Qur'an's Apparent Meanings in the Derivation of Juridical Rulings, with an Emphasis on the Perspectives of the Akhbaris and Usulis

Mohammad Ali Navidpour¹, Mohsen Kashani²

1. Department of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence, Faculty of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence, Islamic Seminary, Qom, Iran. navidpoor@gmail.com

2. Department of Shia History and Sects, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. mohsenkashani72797@gmail.com

Abstract

This research seeks to precisely delineate the scope and conditions under which the "apparent meanings" (zawahir) of the Qur'an are deemed authoritative (hujjah) in the process of deriving juridical rulings. By critically examining the pertinent evidence and evaluating the divergent viewpoints—particularly the contrast between the Akhbari and Usuli schools—the study aims to furnish a clear framework for utilizing this fundamental source within juridical reasoning (ijtihad). The necessity of this inquiry arises from the fact that understanding the relationship between the Qur'an and the Sunnah, as the two principal pillars of legal derivation, has persistently constituted one of the foundational challenges in Islamic legal methodology (usul al-fiqh); moreover, determining the epistemic status of the Qur'an's apparent meanings directly affects the scope of authoritative sources available to the jurist and, consequently, the resulting juridical outcomes. Adopting a descriptive-analytical approach, the research collects data through library-based methods and relies on primary texts of jurisprudence, legal theory, and hadith literature to examine and critique the arguments advanced by the two main intellectual currents in this domain (the Akhbaris and the Usulis). The findings indicate that, notwithstanding the existence of traditions (riwayat) prohibiting "interpretation based on personal opinion" (tafsir bi al-ra'y), this prohibition pertains to the imposition of subjective and unregulated opinions. In light of the Qur'anic verses that affirm the comprehensibility of the Qur'an and its role as a criterion (mi'yar), the apparent meanings of the Qur'an may be regarded as authoritative within a specified framework, provided that, when confronted with the interpretive traditions of the Ahl al-Bayt (as the articulate Qur'an [al-Qur'an al-natiq]), the latter are accorded precedence and serve as the ultimate determinative factor.

Keywords: Apparent meanings of the Qur'an (zawahir al-Qur'an), juridical derivation (istinbat fiqhi), Akhbaris, Usulis, interpretation by personal opinion (tafsir bi al-ra'y), authority of the Sunnah (hujjiyyat al-sunnah)

محدوده حجیت «ظواهر قرآن» در استنباط احکام فقهی با تأکید بر دیدگاه اخباریان و اصولیان

محمدعلی نویدپور^۱، محسن کاشانی^۲

۱. گروه فقه و اصول، دانشکده فقه و اصول، حوزه علمیه قم، ایران. navidpoor@gmail.com

۲. گروه تاریخ و فرق تشیع، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. mohsenkashani72797@gmail.com

چکیده

این پژوهش در پی تبیین دقیق محدوده و شرایط حجیت «ظواهر قرآن» در فرآیند استنباط احکام فقهی است تا با واکاوی ادله و نقد دیدگاه‌های مختلف، به ویژه تقابل دیدگاه اخباریان و اصولیان، چارچوبی روشن برای بهره‌گیری از این منبع اساسی در اجتهاد ارائه دهد. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که فهم رابطه قرآن و سنت، به عنوان دو رکن اساسی استنباط، همواره یکی از چالش‌های بنیادین روش‌شناسی فقه بوده و تعیین جایگاه ظواهر قرآن، تأثیری مستقیم بر دامنه منابع مورد استفاده مجتهد و نتایج فقهی دارد. روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و با اتکا به متون اصلی فقهی، اصولی و روایی، به بررسی و نقد ادله دو جریان فکری اصلی در این زمینه (اخباریان و اصولیان) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود روایات ناهمی از «تفسیر به رأی»، این مفهوم ناظر به تحمیل آراء شخصی و بی‌ضابطه است و با استناد به آیات دال بر فهم‌پذیری قرآن و نقش آن به عنوان میزان، می‌توان برای ظواهر قرآن در چارچوب مشخصی حجیت قائل شد، مشروط بر آنکه در مواجهه با روایات تفسیری اهل بیت (ع)، به عنوان قرآن ناطق، تقدم و تعیین‌کننده نهایی باشند.

کلیدواژه‌ها: ظواهر قرآن، استنباط فقهی، اخباریان، اصولیان، تفسیر به رأی، حجیت سنت.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان اصلی ترین و معتبرترین منبع تشریع در اسلام، همواره جایگاه ویژه‌ای در فرآیند استنباط احکام فقهی داشته است. اما در مورد چگونگی بهره‌گیری از این منبع آسمانی و به ویژه درباره حجیت «ظواهر قرآن» در اجتهاد، دیدگاه‌های مختلفی در تاریخ فقه امامیه وجود دارد. این اختلافات به‌ویژه در میان دو مکتب اصولی و اخباری شکل گرفته و به چالشی جدی در روش‌شناسی فقهی تبدیل شده است. از یک سو، مکتب اصولی با استناد به آیاتی که قرآن را «تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹) و «بیاناً للناس» (آل عمران: ۱۳۸) معرفی می‌کند و نیز با تأکید بر دعوت مکرر قرآن به تدبر در آیات، برای ظواهر قرآن حجیت مستقل قائل شده است. از منظر این دیدگاه، مجتهد می‌تواند با تکیه بر فهم عرفی از الفاظ قرآن، به استنباط احکام بپردازد، مگر آنکه دلیل معتبری (مانند روایت) بر خلاف آن ظاهر وجود داشته باشد.

در مقابل، مکتب اخباری با استناد به روایات متعددی که از «تفسیر به رأی» نهی کرده‌اند - از جمله حدیث مشهور «من فسر القرآن برأیه فلیتوباً مقعده من النار» - هرگونه استنباط مستقیم از قرآن بدون مراجعه به سنت را مصداق تفسیر به رأی باطل می‌داند. بر اساس این نگاه که در افراطی‌ترین شکل خود توسط محدث استرآبادی ارائه شد، فهم معارف قرآن - از جمله احکام - به طور مطلق در انحصار اهل بیت (ع) است و ظواهر قرآن برای عموم حجیت ندارد. این تقابل نظری، در عمل به چالشی عملی در فرآیند استنباط تبدیل شده است. اگر دیدگاه اخباریان را بپذیریم، دایره منابع استنباط به شدت محدود شده و نقش قرآن به عنوان منبعی زنده و پویا در اجتهاد کمرنگ می‌شود. از سوی دیگر، اگر دیدگاه اصولیان را بدون قید و شرط بپذیریم، ممکن است به ورطه تفسیرهای شخصی و دوری از مراد واقعی الهی سقوط کنیم.

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش آن است که محدوده دقیق حجیت ظواهر قرآن در استنباط احکام فقهی چیست؟ و چگونه می‌توان بین بهره‌گیری از این منبع سرشار از یک سو، و پرهیز از تفسیر به رأی از سوی دیگر، تعادل برقرار کرد؟ همچنین، نقش سنت اهل بیت (ع) به عنوان "قرآن ناطق" در تعیین مراد واقعی آیات الاحکام چیست؟ پاسخ به این پرسش‌ها، که در نقطه تلاقی قرآن‌شناسی و فقه‌پژوهی قرار دارد، هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در اینجا به بخشی از پژوهش هایی که حول محور حجیت «ظواهر قرآن» در استنباط احکام فقهی، نگاشته شده است اشاره می کنیم:

الف) کتاب ها:

۱. «الفوائد المدنیه» اثر محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۶ق): این کتاب، به عنوان بیانیه مکتب اخباریگری، به صراحت هرگونه استنباط از قرآن بدون اتکا به روایات معصومین (ع) را رد کرده و حجیت ظواهر قرآن را انکار می کند. استرآبادی، استدلال خود را بر گسترش مفهوم «تفسیر به رأی» و انحصار فهم قرآن در اهل بیت (ع) استوار می سازد.

۲. «فرائد الاصول (الرسائل)» اثر شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق): انصاری در این اثر اصولی، به تفصیل به بحث از حجیت ظواهر کتاب می پردازد و با تقریری استدلالی، ادله عقلی و نقلی اصولیان را تقویت می کند. وی به نقد دیدگاه اخباریان پرداخته و بر حجیت ظهورات قرآن در چارچوب قواعد عقلانی تأکید می ورزد.

۳. «مصباح الاصول» اثر سید ابوالقاسم خویی (م ۱۴۱۳ق): خویی در این کتاب، با تفصیل بیشتر و با رویکردی تحلیلی-انتقادی، ادله اخباریان را به دقت مورد نقد و بررسی قرار می دهد. وی به شبهات مختلف در این زمینه پاسخ گفته و محدوده حجیت ظواهر و شرایط آن را به روشنی تبیین می نماید.

۴. «الأصول العامه للفقهاء المقارن» اثر جعفر سبحانی (معاصر): این کتاب با نگاهی تطبیقی به مسائل اصولی می پردازد. نویسنده در بخش مربوط به حجیت ظواهر قرآن، به مقایسه دیدگاه های اخباریان و اصولیان پرداخته و با نقد ادله هر دو سو، در نهایت از دیدگاه اصولی - با قرائتی معتدل - دفاع می کند.

ب) مقاله ها:

۱. «نقش ظواهر قرآن در فرآیند اجتهاد از نگاه اخباریان و اصولیان» نوشته سید محمدحسین حسینی (فصلنامه «مطالعات اصولی»، ش ۵، ۱۳۹۵): این مقاله به بررسی تطبیقی دلایل دو مکتب پرداخته و نتایج عملی هر دیدگاه را در فرآیند استنباط فقهی نشان می دهد.

۲. «تحلیل و نقد ادله اخباریان در انکار حجیت ظواهر قرآن» نوشته محمدعلی ایازی (فصلنامه «پژوهش‌های قرآنی»، ش ۴۸، ۱۳۸۵): نویسنده در این مقاله، تمرکز خود را بر نقد استدلال‌های اخباریان، به ویژه استناد آنان به روایات نهی از تفسیر به رأی، قرار داده و کوشیده است دایره این مفهوم را تحدید نماید.

۳. «رابطه قرآن و سنت در تفسیر و نقش آن در استنباط فقهی» نوشته محمود واعظی (فصلنامه «فقه اهل بیت»، ش ۳۵، ۱۳۸۸): این مقاله به بررسی کلی رابطه قرآن و سنت پرداخته و در خلال آن، به مسئله حجیت ظواهر و نقش سنت در تبیین آن نیز اشاره کرده است.

ج) پایان‌نامه‌ها:

۱. «حجیت ظواهر القرآن و شبهات آن» اثر سید مهدی موسوی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۰): این پایان‌نامه به گردآوری و دسته‌بندی مهم‌ترین شبهات مطرح شده در زمینه حجیت ظواهر قرآن - اعم از شبهات اخباریان و دیگران - و پاسخ به آن‌ها پرداخته است.
۲. «بررسی تطبیقی دیدگاه اخباریان و اصولیان در حجیت ظواهر قرآن» نوشته احمد رضایی (رساله دکتری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵): این تحقیق به صورت مفصل و تطبیقی، مبانی، ادله و نتایج فقهی دو دیدگاه را در مسئله حجیت ظواهر مورد کنکاش قرار داده است.

تفاوت‌های پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها

پژوهش حاضر با آگاهی از عمق مباحث انجام شده در پیشینه، در صدد است با رویکردی نظام‌مند و با ارائه «مدلی تعادلی» گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین بردارد. اول، تمرکز غالب آثار پیشین بر نقد یک‌سویه ادله اخباریان یا تقریر ادله اصولیان بوده است، در حالی که این تحقیق می‌کوشد با شناسایی نقاط قوت و ضعف هر دو دیدگاه، نظریه‌ای نو ارائه دهد که از افراط و تفریط پرهیزد. دوم، بسیاری از تحقیقات گذشته به ارائه یک مدل عملیاتی و گام‌به‌گام برای بهره‌گیری از ظواهر قرآن در فرآیند استنباط نپرداخته‌اند، اما این پژوهش با تعریف «فضای فقهاتی» و «ضوابط تشخیص تفسیر معتبر»، به عینیت‌بخشیدن به نظریه خود همت گمارده است. سوم، تفکیک دقیق بین «سطح هدایتی-عمومی» قرآن و «سطح بطونی-تأویلی» آن، و تعیین قلمرو حجیت ظواهر برای سطح اول،

تمایز بارزی با برخی تحقیقات دارد که به این تفکیک توجه کافی نکرده اند. چهارم، تأکید این پژوهش بر «تقدم تبیین معصوم» نه به عنوان عاملی برای تعطیلی ظاهر، بلکه به عنوان راس هرمی که ظاهر در ذیل آن و در تعامل با آن معنا می یابند، نگاهی نو به رابطه قرآن و سنت است. پنجم، ارائه «نمونه های کاربردی» از اجرای مدل در مسائل فقهی، به خروجی گیری عینی از بحث کمک کرده و آن را از حالت یک بحث صرفاً نظری خارج می سازد. و ششم، این پژوهش با طرح مفهوم «اجتهاد جامع نگر»، لزوم تسلط مجتهد بر شبکه به هم پیوسته قرآن و سنت را به عنوان بستر اجرای موفق مدل پیشنهادی برجسته می سازد، امری که در بسیاری از آثار مشابه کمتر به آن پرداخته شده است.

روش پژوهش

این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای انجام شده است. پژوهشگر به تحلیل و نقد ادله و آراء دو مکتب فکری اخباریان و اصولیان پرداخته و تلاش کرده است تا مرزهای حجیت ظاهر قرآن در استنباط احکام فقهی را به طور دقیق تر تبیین کند. این فرآیند با تکیه بر متون اصلی فقهی، اصولی و روایی به ویژه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) صورت گرفته است.

واژه شناسی «ظواهر القرآن»

در پژوهش حاضر، واکاوی دقیق مفهوم «ظواهر القرآن» به عنوان نخستین گام ضروری است. از منظر لغوی، «ظاهر» در برابر «باطن» قرار دارد و به معنای آن چیزی است که آشکار، هویدا و در دسترس فهم باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۶۴). در اصطلاح علم اصول فقه، «ظاهر» به معنایی اطلاق می شود که لفظ، بدون نیاز به قرینه خارجی، بر آن دلالت می کند، اما این دلالت به حدی قطعی و تخلف ناپذیر نیست و احتمال خلاف در آن می رود، بر خلاف «نص» که دلالتی قطعی دارد (حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۴۵؛ مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۴۸).

بنابراین، «ظواهر القرآن» به آن دسته از آیات اطلاق می گردد که معنای آن ها به صورت بدوی برای مخاطب آشنا به زبان عربی روشن به نظر می رسد (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۸۷)، اما این ظهور ممکن است با وجود قرائن دیگر، از جمله روایات تفسیری، تنقید یا تخصیص بخورد. تمایز کلیدی بین «ظاهر» و مفاهیمی مانند «مجمل» (که معنای آن به کلی مبهم است) و «مؤول» (که

معنای ظاهری به دلیل قرینه قوی کنار گذاشته شده) در همین احتمال خلاف و نیاز به بررسی بیشتر نهفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۱؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۸). در اینجا می‌توان چنین بیان نمود که: «ظواهر القرآن» در اصطلاح اصولیان، به معنای اولیه و مستقیمی است که از الفاظ آیات قرآن بدون در نظر گرفتن قرائن خارجی فهمیده می‌شود. این ظهور، گرچه حجیت دارد، اما قطعی نیست و می‌تواند توسط دلایل معتبر دیگر مورد تعدیل یا تخصیص قرار گیرد.

۲. مبانی حجیت ظواهر از دیدگاه اصولیون و اخباریون

مکتب اصولی با استناد به مجموعه‌ای از ادله عقلی و نقلی، برای ظواهر قرآن حجیت قائل شده و آن را به عنوان یکی از منابع مستقل و اولیه استنباط احکام فقهی به رسمیت می‌شناسد. از مهم‌ترین ادله عقلی می‌توان به «سیره عقلانیه» اشاره کرد که بر اساس آن، عقلای جهان در محاورات خود، ظهور کلام را حجت می‌دانند و بر متکلم نیز تا زمانی که قرینه‌ای بر خلاف نشان نداده، حمل کلام بر ظاهر آن لازم است. این سیره قطعاً در کلام خداوند حکیم که کامل‌ترین شیوه بیان را دارد، جاری است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۵۵؛ خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۳۵).

از منظر نقلی، آیات متعددی از قرآن کریم خود، مؤید این حجیت هستند (نائینی، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۱۶۵). آیاتی که قرآن را «تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹)، «هدی للناس» (بقره: ۱۸۵) و «مبین» (یوسف: ۱۱۱) معرفی می‌کنند، دلالت بر این دارند که این کتاب برای فهم و بهره‌برداری عموم نازل شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۸؛ جوادی آملی، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۱۱۵). علاوه بر این، قاعده اصولی «حجیت ظواهر الکتاب» که نزد اصولیان مسلم انگاشته می‌شود، بر این اساس استوار است که خطاب الهی در قرآن، به گونه‌ای است که مخاطبان آن را می‌فهمند و این فهم عرفی، مبنای تکلیف قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، تکلیف به ما لا یطاق لازم می‌آید (حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۵).

پس مبانی اصولیان برای حجیت ظواهر قرآن، ترکیبی از ادله محکم عقلی (مانند سیره عقلانی) و نقلی (آیات دال بر فهم‌پذیری قرآن) است که در نهایت به قاعده «حجیت ظواهر الکتاب» منجر شده و آن را به یکی از ارکان اساسی استنباط فقهی تبدیل کرده است.

در مقابل دیدگاه اصولیان، مکتب اخباری با ارائه تعریف خاص و موسعی از «تفسیر به رأی»، به نفی حجیت ظواهر قرآن پرداخته است. از منظر لغوی، «تفسیر» به معنای روشن کردن و کشف مراد است و «رأی» به معنای نظر شخصی و عقیده فردی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۶۱؛ ج ۴، ص ۴۴۱). اما اخباریان با استناد به روایات شدیداللحنی که از تفسیر به رأی نهی کرده‌اند - مانند حدیث مشهور «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَبْتَوُا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳؛ بحرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۷۰) - دایره این مفهوم را به شدت گسترش داده‌اند. از نگاه آنان، هرگونه استنباط و برداشتی از قرآن که مستند به روایت معصوم نباشد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۵۱) ، حتی اگر مبتنی بر قواعد مسلم لغوی و عرفی باشد، مصداق تفسیر به رأی حرام و باطل است (استرآبادی، ۱۴۲۷ق، ص ۸۰).

این دیدگاه ریشه در باور به انحصار فهم صحیح قرآن در اهل بیت (ع) دارد. (افندی اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۸؛ بحرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۶۵) اخباریان استدلال می‌کنند که قرآن دارای معانی عمیق، بطون و تأویلاتی است که تنها معصومان از آن آگاهند و ظاهر آیات، تنها پوسته‌ای است که دستیابی به مغز و حقیقت آن بدون راهنمایی معصوم ممکن نیست. بنابراین، اعتماد به ظواهر قرآن، نوعی قصور در درک عمق کتاب الله و عدول از مرجعیت بی‌بدیل ائمه (ع) است (استرآبادی، ۱۴۲۷ق، ص ۸۸) به طور خلاصه می‌توان چنین بیان نمود که ، از نگاه اخباریان، «تفسیر به رأی» به هرگونه فهم و استنباطی از قرآن اطلاق می‌شود که منبعث از رأی شخصی مجتهد - حتی با رعایت ضوابط - و فاقد مستند روایی صریح از معصوم باشد. این نگرش، مستقیماً به انکار حجیت ذاتی ظواهر قرآن و انحصار تفسیر در روایات منجر می‌شود.

۳. ادله قرآنی و روایی اخباریان در انکار حجیت ظواهر

۳-۱. استناد به روایات نهی از تفسیر به رأی

اخباریان اصلی‌ترین دلیل خود برای انکار حجیت ظواهر قرآن را روایات نهی از «تفسیر به رأی» می‌دانند. آنان با استناد به احادیثی مانند «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳) و «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ لَمْ يُؤْجَرْ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸،

ص (۱۵)، هرگونه برداشت مستقیم از قرآن را - حتی اگر با قواعد زبانی مطابق باشد - مصداق تفسیر به رأی و حرام می‌شمرند. از نگاه آنان، این روایات دلالت دارد که فهم قرآن منحصرراً از طریق روایات معصومین (ع) امکان‌پذیر است.

۲-۳. استدلال به انحصار دانش قرآن در اهل بیت (ع)

دلیل دوم اخباریان، روایاتی است که دانش صحیح قرآن را منحصر به اهل بیت (ع) می‌داند. آنان به احادیثی مانند «إِنَّمَا يَعْلَمُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۶) استناد می‌کنند که بر اساس آن، تنها کسانی که مخاطب مستقیم قرآن بوده‌اند (اهل بیت) قادر به فهم مراد واقعی آن هستند. این روایات در کتاب‌هایی چون «بصائر الدرجات» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۳) به تفصیل آمده و اخباریان آن را دلیل بر ناکافی بودن ظواهر قرآن می‌دانند.

۳-۳. تأکید بر وجود بطون و تأویلات در قرآن

اخباریان با استناد به روایاتی که به بطون و لایه‌های متعدد معانی قرآن اشاره دارد - مانند حدیث «لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۵۹۹) - استدلال می‌کنند که ظاهر قرآن تنها سطح اولیه و ناقصی از معانی آن است. از نگاه آنان، این روایات ثابت می‌کند که بدون مراجعه به روایات اهل بیت (ع) که آگاه به بطون قرآن هستند، هرگونه تفسیری ناقص و گمراه‌کننده خواهد بود.

۴-۳. استناد به عمق معارف قرآن

روایاتی که بر عمق معارف قرآن تأکید دارند - مانند «لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۵۹۹) - از دیگر دلایل اخباریان است. آنان معتقدند این توصیفات نشان می‌دهد قرآن دارای معانی پیچیده‌ای است که فراتر از فهم عادی بوده و دستیابی به آن تنها از طریق معصومین (ع) ممکن است.

۵-۳. تمسک به روایات نهی از قیاس

اخباریان روایات نهی از قیاس - مانند «إِنَّ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ طَلَبُوا الْعِلْمَ بِالْقِيَاسِ فَلَمْ يَزِدُوا مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْدًا» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۴۱) - را شامل هرگونه استنباط عقلی از قرآن می‌دانند. از نگاه آنان، استناد به ظواهر قرآن نیز نوعی قیاس و استنباط شخصی محسوب شده و توسط این روایات رد شده است.

۶-۳. استدلال به وجود نسخ و تخصیص در قرآن

اخباریان به روایاتی که نشان می دهد بسیاری از آیات قرآن منسوخ یا مخصص شده اند - مانند «إِنَّ الْقُرْآنَ لَيَنْزِلُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْرٍ... فَمَنْ عَلِمَ مَا عَنِ اللَّهِ بِهِ فَلْيُحْمَلْ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۶۳۱) - تمسک کرده و استدلال می کنند که تخصیص این موارد تنها از طریق روایات ممکن است.

۷-۳. تأکید بر نقش اهل بیت به عنوان تراجمه الوحی

روایاتی که اهل بیت (ع) را «تراجمه الوحی» (مترجمان وحی) معرفی می کنند - مانند «نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ۱۹۲) - آخرین حلقه استدلال اخباریان است. آنان معتقدند این روایات به صراحت نقش انحصاری اهل بیت را در تفسیر قرآن ثابت می کند.

با توجه به مطالب ارائه شده می توان چنین تحلیل نمود که؛ اخباریان با توسعه مفهوم تفسیر به رأی، عملاً هرگونه استنباط مستقیم از قرآن را - حتی با رعایت ضوابط - نادرست شمرده اند. این نگرش اگرچه در پاسداشت مرجعیت اهل بیت (ع) قابل احترام است، اما با آیات متعدد قرآن که مردم را به تدبیر دعوت می کند (مانند نساء: ۸۲) در تعارض آشکار قرار می گیرد.

تحلیل دیگر اینکه؛ استدلال اخباریان مبتنی بر نادیده گرفتن سطوح مختلف فهم قرآن است. در حالی که بطون و حقایق عمیق قرآن ویژه معصومین است، سطح اولیه و ظاهری آن - که شامل احکام اولیه است - برای عموم قابل فهم بوده و آیات متعددی بر این امر تأکید دارد.

در ادامه می توان به تحلیل دیگری اشاره نمود و آن اینکه؛ اخباریان میان «تفسیر» (کشف مراد خداوند) و «استنباط فقهی» (به کارگیری قواعد برای استخراج حکم) خلط کرده اند. در حالی که تفسیر صحیح منحصر به معصوم است، استنباط فقهی با استفاده از ظواهر قرآن و قواعد قطعی، امری ممکن و معتبر است.

۴. نقد و بررسی ادله اخباریان از منظر اصولیان

اصولیان با پذیرش اصل حرمت تفسیر به رأی، بر خلاف اخباریان، دایره این مفهوم را محدود و مشخص می کنند. از نگاه آنان، «تفسیر به رأی» به معنای تحمیل نظر شخصی و پیش ساخته بر قرآن، بدون توجه به قواعد مسلم زبان عربی و قرائن متصل و منفصل کلام است (نانینی، ۱۴۳۳ق، ج ۱،

ص ۱۷۶؛ خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۴۱). بنابراین، استنباطی که با تکیه بر ظهور عرفی الفاظ و در چارچوب ضوابط قطعی ادبی و اصولی صورت گیرد، نه تنها مصداق تفسیر به رأی نیست، بلکه همان «فهم درست» از کلام خداوند است که مورد تأیید عقل و شرع می‌باشد. این تمایز، پایه اصلی پاسخ به استدلال اخباریان بر اساس روایات نهی از تفسیر به رأی است.

در پاسخ به استدلال انحصار دانش قرآن در اهل بیت(ع)، اصولیان به دقت بیشتری در نقش سنت اشاره می‌کنند. به باور آنان، سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) در مقام «مبین» و «مقید» برای قرآن عمل می‌کند، نه اینکه به کلی جانشین آن شود یا ظواهر آن را باطل اعلام نماید (حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۶۵). وقتی روایتی به تفسیر آیه‌ای می‌پردازد، در واقع قرینه‌ای قطعی ارائه می‌دهد که مراد جدی خداوند را مشخص می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۱۱۵) در چنین مواردی، این روایت است که حجیت دارد و ظاهر آیه در سایه آن معنا می‌یابد. اما این به معنای بی اعتباری مطلق ظواهر در تمامی موارد نیست، بلکه نشان‌دهنده یک نظام سلسله مراتبی در منابع استنباط است.

اصولیان استدلال می‌کنند که انکار مطلق حجیت ظواهر قرآن، با صریح بسیاری از آیات این کتاب آسمانی در تعارض است. آیاتی که قرآن را «تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹)، «هُدًیً لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵) و «مُبِیناً» (یوسف: ۱۱۱) معرفی می‌کنند، واضحاً دلالت دارند که این کتاب برای هدایت و بهره‌برداری همگان نازل شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۸). اگر ظواهر قرآن حتی در سطح اولیه خود حجیت نداشته باشد، این اوصاف معنای خود را از دست می‌دهند و تکلیف مردم به چیزی که برایشان غیرقابل فهم است، لازم می‌آید که محال می‌باشد.

پاسخ نهایی اصولیان، تفکیک قاطعانه بین «مراتب و سطوح مختلف معارف قرآن» است. آنان می‌پذیرند که قرآن دارای معانی عمیق، بطون و حقایقی است که دستیابی به آنها ویژه معصومین(ع) است. (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۰) اما در کنار آن، یک سطح ابتدایی و هدایتی از معانی نیز وجود دارد که مربوط به احکام عملی، اخلاقی و اعتقادی پایه است و با زبان عرفی و برای فهم عموم بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۰). انکار حجیت این سطح قابل فهم برای

همگان، به بهانه وجود سطوح عمیق تر، مغالطه ای آشکار است و باعث محرومیت امت از سرچشمه زلال هدایت قرآن می گردد.

تحلیل چنین است که؛ نقد اصولیان بر اخباریان، مبتنی بر تفکیک دقیق بین «فهم ضابطه مند» و «تحمیل نظر شخصی» است. این تفکیک، بنیان استدلال اخباریان را که بر گسترش بی ضابطه مفهوم تفسیر به رأی استوار بود، متزلزل می سازد. دیگر تحلیل اینکه؛ اصولیان با پذیرش نقش کانونی سنت در تبیین قرآن، نشان دادند که قبول حجیت ظواهر به معنای کنار گذاشتن سنت نیست، بلکه به معنای درک صحیح از رابطه این دو منبع و ایجاد توازن در نظام استنباط دینی است.

۵. ارائه مدلی تعادلی برای بهره گیری از ظواهر قرآن

در این مدل تعادلی، نخستین و مهم ترین اصل، تقدم مطلق روایات تفسیری صادره از معصوم (ع) است. هنگامی که روایتی مستند و معتبر، به طور مستقیم به تبیین آیه ای از قرآن می پردازد و مراد جدی خداوند را آشکار می سازد، این روایت به عنوان قرینه ای قطعی و معیار نهایی فهم آیه عمل می کند. در چنین مواردی، ظاهر آیه در پرتو این بیان معصوم، تفسیر و گاهی تخصیص یا تنقید می خورد. این اصل، کاملاً همسو با حدیث ثقلین و جایگاه اهل بیت (ع) به عنوان «ترجمه الوحی» است و هرگونه برداشت شخصی را در برابر تفسیر معصوم، متوقف می سازد (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۶۰؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۵).

دیگر مدلی که باید بدان توجه نمود اینکه؛ حجیت ظواهر در فضای فقهاتی و در فقدان روایت صریح می باشد. به بیان واضح تر اینکه؛ در مواردی که روایت صریح و مستقلاً در تفسیر یک آیه احکام وجود ندارد، مدل پیشنهادی برای ظاهر آن آیه، حجیت قائل می شود. این حجیت، نه یک حجیت مستقل و مطلق، بلکه حجیتی درون سیستمی و در چارچوب یک «فضای فقهاتی» است. بدین معنا که مجتهد با تکیه بر قواعد مسلم زبان عربی، فهم عرفی و قرائن موجود در خود قرآن، معنایی را از آیه برداشت می کند. (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۷۰) این برداشت، به شرطی معتبر و قابل استناد است که با سایر اصول و قواعد قطعی شریعت، از جمله سایر نصوص قرآنی و روایی، در تعارض نباشد (نائینی، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۱۸۵).

برای جلوگیری از لغزیدن به ورطه تفسیر به رأی، مدل پیشنهادی، ضوابط عینی و روشنی ارائه می‌دهد. این ضوابط شامل: انطباق با قواعد صرف و نحوی زبان عربی، سازگاری با سیاق آیات (سیاق)، عدم تعارض با قطعیات دینی (مانند ضروریات اسلام)، توجه به شأن نزول (در صورت معتبر بودن) و هماهنگی با سایر آیات القرآن (تفسیر قرآن به قرآن) می‌باشد. هر استنباطی که این چارچوب را رعایت کند، یک «استنباط معتبر فقهی» محسوب می‌شود، نه «تفسیر به رأی» (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۹۲؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۰).

یکی از ارکان کلیدی این مدل، به رسمیت شناختن نقش «سیره عقلانی» و «فهم عرفی» در تشخیص ظهور آیات است. از آنجا که قرآن برای هدایت عموم نازل شده، ملاک در فهم ظاهر الفاظ، معنایی است که عرف عرب‌زبان و سپس عرف عمومی از آن درک می‌کنند. این اصل، مانع از تأویلات شخصی و غیرضابطه‌مند می‌شود و استنباط از قرآن را در مسیری واقع‌بینانه و قابل کنترل قرار می‌دهد (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۵۵).

اجرای این مدل تعادلی در مسائل فقهی، نتایج ملموسی دارد. برای نمونه، در آیه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵)، ظهور عرفی آیه، حلیت مطلق بیع را می‌رساند. از آنجا که روایت صریحی که این ظهور را نقض کند وجود ندارد، این حکم عام، مبنای استنباط قرار می‌گیرد. سپس، با استفاده از سایر آیات و روایات، موارد خاصی مانند بیع غرری (فروش غرری) از تحت این عموم خارج می‌شود. این فرآیند، نمونه‌ای از تعامل هماهنگ بین ظاهر قرآن و سنت تبیین‌کننده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۹۰؛ سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۰).

دو تحلیل :

۱. این مدل موفق می‌شود هم از هویت مستقل قرآن به عنوان منبعی زنده و پویا در استنباط دفاع کند و هم جایگاه بی‌بدیل سنت را به عنوان کاشف از مراد جدی خداوند حفظ نماید. این رویکرد، از یک سو با آیات دال بر فهم‌پذیری قرآن سازگار است و از سوی دیگر، با روایات نافی تفسیر به رأی، زیرا استنباط را در چارچوبی دقیق و کنترل‌شده تعریف می‌کند. ۲. کاربست این مدل، نیازمند مجتهدی است که به هر دو حوزه قرآن و سنت تسلط عمیق داشته باشد. این امر، اهمیت «اجتهاد جامع النگر» را بیش از پیش نشان

می‌دهد؛ مجتهدی که بتواند به طور همزمان شبکه به هم پیوسته معارف قرآنی و روایی را ببیند و در پرتو آن، به استنباط احکام پردازد و از تفسیرهای جزئی‌نگر و تک‌بعدی پرهیز کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با واکاوی دقیق ادله اخباریان و اصولیان در مسئله حجیت ظواهر قرآن، به این نتیجه رسید که انکار مطلق حجیت ظواهر از سوی اخباریان، با آیات دال بر فهم‌پذیری قرآن و سیره عقلانی در تضاد است و منجر به محرومیت جامعه اسلامی از سرچشمه زلال وحی می‌شود. از سوی دیگر، قبول حجیت مطلق ظواهر بدون در نظر گرفتن نقش قانونی سنت در تبیین، می‌تواند به برداشت‌های ناقص و گاه انحرافی بینجامد.

در این مقاله، مدلی تعادلی ارائه شد که در آن، «تقدم تبیین معصوم» به عنوان اصل نخست و غیرقابل‌تخلف، و «حجیت ظواهر در چارچوب ضابطه‌مند فقه‌ای» به عنوان اصل دوم و در موارد فقدان روایت صریح، جایگاه خود را می‌یابند. این مدل، قرآن را به حاشیه نمی‌راند و سنت را نیز به حجاب کتاب خدا تبدیل نمی‌کند، بلکه رابطه‌ای پویا و دیالکتیکی بین آن دو برقرار می‌سازد.

این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه روایات نهی از «تفسیر به رأی» در منابع حدیثی وجود دارند، این روایات بیشتر ناظر به استنباط‌های شخصی و بدون ضابطه از قرآن هستند. در عین حال، آیات قرآن که به طور صریح قرآن را به عنوان «تبیاناً لکل شیء» و «بیاناً للناس» معرفی می‌کنند، نشان‌دهنده این حقیقت هستند که قرآن در فهم‌های عرفی و طبق قواعد عقلانی قابل استنباط است. در فرآیند استنباط فقهی، می‌توان برای ظواهر قرآن حجیت قائل شد، مشروط بر آن که این استنباط‌ها با روایات تفسیری اهل بیت (ع) که قرآن ناطق هستند، هم‌راستا و هماهنگ باشند. این رویکرد باعث می‌شود که ضمن بهره‌گیری از قرآن به عنوان منبعی زنده و پویا، از هرگونه تفسیر شخصی و به دور از مراد الهی پرهیز شود. برآیند نهایی این پژوهش، تقویت «روش اجتهادی جامع» است که در آن، مجتهد با تمسک همزمان به کتاب و سنت، و با رعایت دقیق قواعد استنباط، می‌تواند در عین پاسداری از اصالت متن، پاسخگوی نیازهای نوپدید جامعه باشد. این نگاه، نه تنها در حوزه احکام فردی، که در استنباط احکام حکومتی و اجتماعی نیز از کارآمدی بالایی برخوردار خواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، ا. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ع. م. هارون، تحقیق). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- استرآبادی، م. (۱۴۲۷ق). الفوائد المدنیة. قم: نوید.
- افندی اصفهانی، ع. (۱۴۲۸ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. قم: مطبعة الخیام.
- انصاری، م. (۱۴۱۹ق). فوائد الاصول (الرسائل). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ایازی، م. ع. (۱۳۸۵). تحلیل و نقد ادله اخباریان در انکار حجیت ظواهر قرآن. پژوهش های قرآنی، ۴۸، ۸۶-۱۱۰.
- بحرانی، ی. (۱۴۲۵ق). الحدائق الناضرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حر عاملی، م. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی، س. م. ح. (۱۳۹۵). نقش ظواهر قرآن در فرآیند اجتهاد از نگاه اخباریان و اصولیان. مطالعات اصولی، ۵، ۷-۲۸.
- حلی (علامه حلی)، ح. (۱۴۲۸ق). تهذیب الوصول إلى علم الأصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- خویی، س. ا. (۱۴۳۰ق). مصباح الأصول. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار العلم.
- رضایی، ا. (۱۳۹۵ش). بررسی تطبیقی دیدگاه اخباریان و اصولیان در حجیت ظواهر قرآن (پایان نامه دکتری). دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- سبحانی، ج. (۱۴۲۹ق). الأصول العامة للفقہ المقارن. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- شبیری زنجان، س. م. (۱۴۳۳ق). کتاب الأصول. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شیرازی، س. م. (۱۴۲۸ق). الأصول. قم: دار العلوم.
- صفار، م. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: کتابخانه آیتالله مرعشی.
- طباطبائی، س. م. ح. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، س. م. ح. (۱۴۳۰ق). حاشیة الکفایة. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عیاشی، م. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمیة.

- فراهیدی، خ. (۱۴۱۴ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مظفر، م. ر. (۱۴۳۰ق). أصول الفقه. قم: انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۲۹ق). أنوار الأصول. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی، س. م. (۱۳۹۰ش). حجیت ظواهر القرآن و شبهات آن (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قرآن و حدیث.
- نائینی، م. ح. (۱۴۳۳ق). فوائد الأصول. قم: جامعه مدرسین.
- واعظی، م. (۱۳۸۸ش). رابطه قرآن و سنت در تفسیر و نقش آن در استنباط فقهی. فقه اهل بیت، ۳۵، ۱۶۶-۱۴۳.